

۳. برساخت مفهوم «خشونت بنیادگرایی اسلامی» در جغرافیای افغانستان پررنگ‌تر است. وقتی تام و مترجم افغانی‌اش محمد وارد افغانستان می‌شوند، دو نفر اعدام شده‌اند (مجدد تأکید بر عنصر اعدام) و محمد به تام می‌گوید: به افغانستان جدید خوش آمدی (افغانستانی که طالبان بر آن حکومت می‌کند). کحیل که بر طالبان مسلط است و نفوذ شدیدی دارد (ادعا می‌شود که اطلاعات پاکستان باعث استقرار آن‌ها بر حکومت شده و این نفوذ از همینجا آمده است) به آن‌ها گوش زد می‌کند نباید زن‌ها را کتک بزنند و باید با دنیا هماهنگ بشوند. در سکانس دیگر محمد دود، یکی از آشنایان قدیمی‌اش را می‌بیند. او که خانوم جوانی است، اشک می‌ریزد و می‌گوید همه چیزشان را از دست داده‌اند و دیگر اینجا جایی ندارند. محمد از او می‌خواهد به امریکا برود اما او می‌گوید باید برای آزادی جنگید و نمی‌تواند اینجای ترک کند.

۴. درباره محور خشونت، ارتباط افغانستان و ایران به منظور دستیابی به سلاح هسته‌ای و همکاری با هم پررنگ است.

۵. امریکا و اروپا، بهشت روی زمین و جایگاه نجات است. در فیلم مدام و از قول شخصیت‌های مختلف این موضوع به انحای مختلف بیان می‌شود. به عنوان مثال این طور بیان می‌شود که تام خوشحال است که محمد با خانواده‌اش به امریکا رفته و نجات پیدا کرده است و محمد می‌گوید نتوانسته فرزند دیگرش یعنی احمد را با خود ببرد و در این دیار کشته شده. یاد گرفت و گوی محمد با آن خانم آشنای قدیمی، به او می‌گوید باید به امریکا برود. در جای دیگر کحیل از مافوق خود می‌خواهد او را به اروپا و جایی چون لندن یا فرانسه اعزام کند.

۶. تام به عنوان عامل سیا، نجات دهنده معرفی می‌شود. او وفادار به مترجم افغانی‌اش محمد است و می‌خواهد او نجات پیدا کند. همچنین او چهره‌ای قهرمان، جذاب، مهربان و عاشق خانواده معرفی می‌شود. موسیقی فیلم به عنوان عنصر دراماتیک همواره همراه اوست. محمد، به عنوان یک فرد افغانی و مسلمان مادامی در امان است که تحت امر و فرمان تام باشد.

۷. رویکرد فیلم نسبت به اسلام‌گرایی اما تفاوت جدی دارد با آنچه در قیاس با فیلم‌های مشابه دیده‌ایم. رویکرد این فیلم که در سال ۲۰۲۳ تولید شده است، محافظه‌کارتر شده به نسبت فیلم‌های مشابه در سال‌های گذشته. احتمال می‌رود دلیل این موضوع انتقادهای جدی در غرب در رابطه با اسلام‌هراسی بوده است یا ارتباط ایالات متحده با برخی کشورهای اسلامی. تلاش شده در طول فیلم تروریسم اسلامی از نظر آنها شامل داعش و القاعده و طالبان، چیزی جدا از اسلام در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال محمد به عنوان یک چهره مسلمان، نماز می‌خواند و موسیقی فیلم به عنوان عنصر دراماتیک همراه اوست. رومن چالمرز به عنوان یک مأمور سیا، مسلمان شده، نماز می‌خواند و تسبیح دارد. وقتی کشته می‌شود هم شهادتین می‌خواند و موسیقی و دوربین کاملاً با او همراهند. در جای دیگر، کحیل (همان‌طور که ذکر شد و عنصری مثبت ارزیابی می‌شود) به کودکی که طالبان به او آموزش داده، برخورد می‌کند. کحیل می‌گوید آنچه در ذهن او فرو کرده‌اند، ربطی به ایمان و اسلام ندارد و به او خاطر نشان می‌کند که او تاکنون قرآن نخوانده است. این تغییر استراتژیک در رویه ساخت فیلم می‌تواند به دنبال همراهی جمعیت مسلمان جهان با سیاست‌های کلی امریکا و همراهی آن‌ها به منظور مخالف با طالبان و جمهوری اسلامی با این بیان که اسلام نسبتی با اقدامات این حکومت هاندارد، باشد. چرا که حتی یک مأمور سیا هم می‌تواند مسلمان باشد و شهید شود!

پی‌نوشت:

1- Kandahar

شمس‌الطریق

۸۷ شماره چهارم • تیرمرداد ۱۴۰۲